

اندیشه تقریب و امنیت جهان اسلام با تأکید بر اندیشه امام خمینی علیه السلام

حکیمه عزیزاللهی^۱

چکیده:

امروزه حوادث گوناگونی در کشورهای اسلامی به وقوع می‌پیوندد، از جنگ و کشتار گرفته تا فقر و عقب‌ماندگی. غرب نیز با الگوی تفرقه بینداز و حکومت کن، بر اختلافات و جنگ‌ها در کشورهای اسلامی دامن می‌زند. همه اینها موجب ناامنی جهان اسلام گشته است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی علیه السلام تلاش نمود با نزدیک کردن مسلمین به یک‌دیگر و احیای اندیشه تقریب، از مشکلات جهان اسلام بکاهد و امنیت آنان را تأمین نماید.

سؤال این است که با توجه به دیدگاه امام خمینی علیه السلام که احیاگر اندیشه تقریب بود، چگونه می‌توان با ایجاد تقریب بین مسلمانان امنیت کشورهای اسلامی را بالا برد. برای پاسخ‌گویی به این سؤال نیازمند یک الگو می‌باشیم. این الگو نظریه‌امیتای اتریونی (Amitai Etzioni) می‌باشد. وی چهار مرحله برای ایجاد وحدت بیان می‌نماید که عبارت است از: ۱- وضعیت قبل از وحدت؛ ۲- نیروهای وحدت‌آفرین. این دو مرحله ناظر به عوامل ایجادکننده تقریب است؛ ۳- فرایند وحدت؛ ۴- مشغولیت سیستم به اموری که به خاطر آن به وجود آمده است. به عبارت دیگر، وحدت به خودی خود یک غایت نیست.

بنابراین با توجه به این الگو، در این پژوهش از عوامل ایجاد تقریب، حوزه‌هایی که تقریب باید در آنها ایجاد شود و اهداف تقریب، بحث شده است. گرچه برای تقریب اهداف گوناگونی ذکر شده ولی هدف نهایی آن امنیت است، زیرا در صورت ایجاد امنیت است که رسیدن به سایر اهداف تقریب از جمله رشد معنوی و اخلاقی جهان اسلام محقق می‌شود. تا امنیت معنوی نباشد، رشد معنوی هم امکان‌پذیر نیست. برای ایجاد امنیت کشورهای اسلامی، باید قدرت آنان را بالا برد. قدرت از نظر امام خمینی علیه السلام تنها تقویت بعد خاصی مثل بالا بردن توان نظامی تعریف نمی‌گردد بلکه در بهبود وضعیت جهان اسلام در شبکه پیچیده‌ای از روابط داخلی و خارجی تعریف می‌شود. (افتخاری، ۱۳۸۰، ص ۴۵).

بنابراین برای ایجاد این قدرت عوامل گوناگونی دخیل می‌باشد که وحدت ایجاد شده در حوزه‌های تقریب می‌تواند این عوامل را تقویت نماید. هم‌چنین امنیت امری چند بعدی است و در نتیجه لازم است در حوزه‌های گوناگون امنیت را تأمین نمود که باز وحدت ایجاد شده در حوزه‌های تقریب، می‌تواند ایجاد امنیت در این حوزه‌ها را تسهیل نماید. پس می‌توان گفت اندیشه تقریب از طریق تقویت هم‌گرایی در جهان اسلام به افزایش

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی.

قدرت مسلمین منجر می‌گردد و به ارتقای امنیت آنان در ابعاد معنوی، فردی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تقرب، امنیت، جهان اسلام.

مقدمه

قرآن همهٔ مسلمانان را یک امت واحده خوانده است. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَأَعْبُدُونِ» (انبیا/۹۲). اسلام نیز با دعوت به توحید، اقوام و قبیله‌های متفرق را متحد و منسجم ساخت، ولی امروزه برخی رویدادها موجب تفرقهٔ مسلمانان گشته است و روابط مسلمانان با یک‌دیگر بر طبق همان الگویی که دولت‌های استعماری به نفع خود بیان کرده‌اند، یعنی تفرقه بینداز و حکومت کن، رقم خورده است. مخالفان اسلام و کفر جهانی با حربه‌هایی مانند بنیادگرایی، افراط‌گرایی و تروریسم و نسبت‌دادن آنها به اسلام، سعی در نابودی اسلام دارند.

اما انقلاب ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام بار دیگر اندیشهٔ تقرب بین مذاهب اسلامی و وحدت سیاسی جوامع را زنده کرد و آن را عاملی مؤثر در برابر تهدیدات دشمنان جهان اسلام و ارتقای امنیت آنان دانست. بنابراین در این پژوهش به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم که با توجه به دیدگاه‌های امام خمینی علیه السلام چگونه می‌توان با ایجاد تقرب بین مسلمانان، امنیت کشورهای اسلامی را بالا برد. پاسخ ابتدایی به این سؤال این است که از دیدگاه امام خمینی علیه السلام اندیشهٔ تقرب از طریق تقویت هم‌گرایی در جهان اسلام باعث افزایش قدرت مسلمانان شده و به ارتقای امنیت آنان در ابعاد معنوی، فرهنگی، فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی کمک می‌کند.

مفاهیم:

۱- تقرب

تقرب، از قرب به معنای نزدیکی و همکاری است و در این‌جا همکاری بین شیعه و سنی مراد است. امام خمینی علیه السلام شیعه و سنی را یکسان دانسته و معتقد است همه با هم برادر و برابرند: «ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم، واحد هستیم، مسلمان و برادر هستیم ... قضیهٔ شیعه و سنی اصلاً در کار نیست» (خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۷۷).

شیعه و سنی در موارد بسیاری با یک‌دیگر اتفاق نظر دارند، از جمله این‌که هر دو معتقدند: ۱- آفریدگار و مدیر جهان خداوند است؛ ۲- تنها خداوند معبود است؛ ۳- خداوند شریک و هم‌تا ندارد؛ ۴- ذات خداوند قابل درک نیست؛ ۵- خداوند ازلی، ابدی و سرمدی است؛ ۶- همهٔ موجودات مخلوق خداوند هستند؛ ۷- خداوند متکلم و صادق است؛ ۸- خداوند زنده است.

اما در عین این اتفاق نظرها، اختلافاتی نیز با یکدیگر دارند، از جمله اختلاف نظر در مورد تفسیر تکلم خداوند؛ اختلاف نظر در این که مؤمنان خداوند را در قیامت می بینند یا نه؛ اختلاف نظر در صفات ذاتی خداوند، هم چون علم، قدرت، حیات و مانند آن که آیا عین ذات حق است یا زاید بر ذات او؛ اختلاف نظر در مورد جانشینی بعد از پیامبر و ... بنابراین با توجه به موارد اتفاق و اختلاف، همکاری بین شیعه و سنی همکاری در ترویج و حفظ مشترکات دینی و در حوزه های گوناگون مثل حوزه فرهنگ و اقتصاد و ... می باشد. مراد از تقریب، ذوب کردن مذاهب اسلامی و مذهبی را بر مذهب دیگر چیره ساختن نیست، بلکه تقریب برای تفاهم بیشتر است تا از این طریق امتی واحد، چه در تحقق ساختن خویشتن خویش و چه در رویارویی با دشمنان، شکیل بگیرد.

بنابراین تقریب از نظر ما به معنای همکاری در ترویج و حفظ مشترکات دینی و معذور دانستن هم دیگر در مورد اختلافات، طبق اصل «للمصیب اجران و للمخطی اجر واحد» و برادری و دوستی به عنوان مسلمان، طبق اصل «انما المؤمنون اخوه» در زندگی اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و نظامی و عدم توهین به پیشوایان و اصول مذهبی پیروان سایر مذاهب اسلامی است. (آصف محسنی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷).

۲- امنیت

ریشه لغوی این واژه از ثلاثی مجرد «امن» و با مشتقاتی مانند «استیمان» و «ایمان» است که به اطمینان و آرامش در برابر خوف ترجمه شده و دارای دو بعد ایجابی و سلبی است؛ اطمینان و آرامش فکری و روحی، و فقدان خوف، دلهره و نگرانی، که موجب سلب اطمینان و آرامش می گردد. (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵، ص ۱۹).

در مفهوم سنتی، تحت تأثیر اندیشه های واقع گرایی، امنیت را امری نظامی تلقی می کردند. اما در تلقی جدید از این واژه، امنیت کشورها به قابلیت افزایش هماهنگی، کاهش معارضات و تنش های اجتماعی و تعمیق حس مدنیت تعریف می گردد. (دولور، ۱۳۷۱، ص ۳۸۹).

بنابراین می توان گفت امروزه هیچ کشوری برای تأمین امنیت، تنها به مقابله تهدیدات نظامی بسنده نمی کند بلکه انواع تهدیدات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و رسانه ای را در نظر می گیرد. امنیت دارای ابعاد گوناگون فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، ملی و باطنی است.

۳- جهان اسلام

در اصطلاح، جهان اسلام به سرزمین هایی گفته می شود که بیشتر مردمان آن پیرو دین اسلام باشند، چه این مردمان در کشورهای اسلامی زندگی کنند، چه در کشورهای غیراسلامی و چه در کشورهایی که می توان آنها را اسلامی دانست ولی تاکنون به سازمان کنفرانس اسلامی ملحق نشده اند، مثل بوسنی و هرزگوین. مراد ما از جهان اسلام همین تعریف اصطلاحی است.

۱-۳- طرح الگو:

الگوی مناسب برای این پژوهش، از میان نظریه‌های هم‌گرایی، نظریه امیتای اتریونی می‌باشد. امیتای اتریونی معتقد است وحدت سیاسی، فرایندی است که طی آن هم‌گرایی سیاسی به عنوان یک وضعیت تحقق می‌یابد و وحدت باعث افزایش یا تقویت پیوندهای موجود میان واحدهای تشکیل‌دهنده یک نظام می‌گردد. (دورنتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲، ص ۶۶). وی چهار مرحله را برای دستیابی به وحدت بیان می‌کند: ۱- وضعیت قبل از وحدت؛ ۲- نیروهای وحدت‌آفرین؛ ۳- بخش‌های وحدت یافته؛ ۴- مرحله پایانی.

الف - وضعیت قبل از وحدت: به نظر وی برای این که وحدت ایجاد گردد ضرورت دارد بین واحدهای مورد نظر، یک نوع وابستگی متقابل وجود داشته باشد. به عبارتی می‌توان گفت که در مرحله قبل از وحدت یک رشته عوامل نقش کلیدی دارند که نوع و میزان وسعت آنها تأثیر زیادی در ایجاد وحدت دارد که از جمله آنها می‌توان به تجانس فرهنگی، وابستگی متقابل اقتصادی و مجاورت جغرافیایی اشاره کرد. ب - نیروهای وحدت‌آفرین: پرفسور اتریونی سه نیرو را برای ایجاد وحدت شناسایی می‌کند: ۱- نیروی ارعابی شامل تسلیحات قوای نظامی و انتظامی؛ ۲- نیروی مادی و اقتصادی یا عوامل اقتصادی، فنی و توانایی اداری و سازمانی؛ ۳- نیروی عقیدتی و هویتی شامل ارزش‌ها، سمبل‌ها و باورهای فرهنگی عقیدتی.

ج - بخش‌های وحدت‌یافته: در این مرحله، مبادله کالا و افراد صورت می‌گیرد و ارتباط بین واحدهای سیاسی زیاد می‌شود و ایجاد وحدت در یک بخش به بخش‌های دیگر نیز سرایت می‌کند.

د - مرحله پایانی: در این مرحله سیستم تشکیل‌یافته از واحدهای متعدد، دست به کار اموری می‌گردد که به خاطر آن به وجود آمده است؛ به عبارت دیگر، وحدت به خودی خود یک غایت نیست بلکه آثار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مترتب بر آن مهم است. (کاظمی، ۱۳۷۲، ص ۷۴-۷۷).

در این پژوهش مراحلی که اتریونی برای دستیابی به وحدت برشمرده است، در دستور کار قرار می‌گیرد، با این تفاوت که وی در مرحله دوم که از نیروهای وحدت‌آفرین نام برده است نیروی ارعابی را جزء این دسته از نیروها برشمرده است، اما با توجه به تعریف ما از هم‌گرایی که عبارت است از نوعی وحدت که از طریق تفاهم و همکاری میان کشورها به وجود می‌آید، این نیرو را جزء نیروهای وحدت‌آفرین نمی‌دانیم، زیرا با زور و اجبار و استفاده از تسلیحات نظامی، نمی‌توان وحدت واقعی را بین مسلمین ایجاد نمود و اگر با استفاده از این نیرو وحدتی هم شکل بگیرد، ظاهری است و دوامی نخواهد داشت. اما برای مثال، همکاری‌های اقتصادی جهان اسلام، زمینه‌ساز وحدت است، زیرا مسلمین به خوبی می‌دانند که سلطه اقتصادی غرب بر جهان اسلام یکی از عوامل جدایی آنها است. غرب با در اختیار داشتن شالوده اقتصاد جهانی، هر طور که می‌خواهد، به کشورهای اسلامی خط‌مشی سیاسی و فرهنگی می‌دهد. اما همکاری‌های اقتصادی بین کشورهای اسلامی و رفع نیازهای یک‌دیگر بی‌شک قطع وابستگی به غرب و زمینه تقریب را فراهم می‌نماید.

در این پژوهش مراحل اول و دوم وحدت که عبارت است از وضعیت قبل از وحدت و نیروهای وحدت‌آفرین، ناظر به عوامل ایجاد تقرب می‌باشد. مرحله سوم، ناظر به حوزه‌های تقرب و مرحله پایانی ناظر به اهداف تقرب است که مهم‌ترین هدف و غایت تقرب امنیت است که تأمین آن بدون وحدت جهان اسلام غیرممکن می‌باشد.

۲-۳- چگونه ایجاد تقرب

با الگو گرفتن از نظر امنیتی اتریونی، برای ایجاد تقرب باید از عوامل ایجاد تقرب و حوزه‌های تقرب سخن به میان آورد. با تأکید بر سخنان امام خمینی علیه السلام عوامل ایجاد تقرب را می‌توان به عوامل انسانی و غیرانسانی تقسیم کرد.

عوامل انسانی تقرب عبارت است از: فقها و علماء، نخبگان، اساتید و دانشجویان، سران کشورهای اسلامی و عوامل غیرانسانی تقرب عبارت است از: اصول مشترک مذهبی، رسانه‌های ارتباط جمعی، مؤسسات آموزشی، همکاری‌های اقتصادی، فرهنگ اسلامی.

۲-۳-۱ عوامل انسانی تقرب

الف) فقها: مهم‌ترین عامل انسانی تقرب، فقها می‌باشند. آنها به خاطر جایگاهی که نزد توده مردم دارند، نظرشان معمولاً مورد پذیرش همگان است. امام خمینی در اهمیت نقش آنان می‌گوید: «شیعیان به هر نحو که آنها عمل می‌کنند، عمل کنند و در نمازهای جماعت آنان شرکت نمایند». بنابراین این گروه باید مردم را آگاه سازند و با صدور فتاوایی، در جهت وحدت مسلمین گام بردارند. امام خمینی علیه السلام که از متادیان وحدت به شمار می‌آید، فتاوایی را برای ایجاد وحدت بین شیعه و سنی صادر کرد؛ برای مثال، وقتی دربارهٔ چگونگی شرکت در نماز جماعت اهل تسنن از ایشان سؤال شده که «شما دستور فرموده‌اید در نماز جماعت اهل تسنن شرکت کنیم، آیا این نماز از نظر نیت و غیره مثل نماز جماعت شیعه است؟»، در پاسخ می‌گوید: «به هر نحو آنها عمل می‌کنند، انجام دهند» (خمینی، ۱۳۶۶، ص ۲۷۸).

و در جای دیگر می‌گوید:

«طواف را به نحو متعارف که همه حجاج به جا می‌آورند به جا آورند و از کارهایی که اشخاص جاهل می‌کنند، احتراز شود و مطلقاً از کارهایی که موجب وهن مذهب است باید احتراز شود و در وقوفین متابعت از حکم قضات اهل سنت لازم و مجزی است اگر چه قطع به خلاف داشته باشد» (خمینی، ۱۳۷۹، ص ۳۵).

همچنین در جایی دیگر چنین فتوا داده است:

«لازم است برادران ایرانی و شیعیان سایر کشورها از اعمال جاهلانه که موجب تفرق صفوف مسلمین است احتراز کنند و لازم است در جماعت اهل سنت حاضر شوند و از انعقاد و تشکیل نماز جماعت در منازل خودداری کنند» (خمینی، ۱۳۷۱، ج ۹، ص ۱۷۶-۱۷۷).

وی در مورد مسئولیت علما می‌گوید: «دسته دیگر علمای اسلام هستند و مراجع عالی مقام هستند. آنها هم مسئولیتشان خیلی زیاد است. شاید به یک معنا مسئولیت علمای اسلام از همه کس زیادتز باشد». (خمینی، ۱۳۷۹، ص ۳۵).

ب) نخبگان: آنان باید با توجه به مصالح عالم اسلامی، تحقیقات علمی و کارهای تبلیغی خود را انجام دهند و در این تحقیقات بیش از رعایت مصلحت مذهب خود، متوجه مصالح عالم اسلامی باشند. در مسائل علمی نیز با یکدیگر تبادل نظر داشته باشند، همان گونه که ابوحنیفه دو سال نزد امام صادق علیه السلام درس آموخت و یا شیخ مفید نزد تعدادی از علمای اهل سنت حاضر می‌شد. (آصفی، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

ج) اساتید و دانشجویان: این گروه با برگزاری جلسات پرسش و پاسخ می‌توانند بحث همراه با دلیل و برهان را رواج داده و مسائل اختلافی را روشن نمایند و راه‌های وفاق تازه بیابند.

د) سران کشورهای اسلامی: به گفته امام خمینی علیه السلام آنها باید اختلافات جزئی را کنار بگذارند و دست از خرابکاری بردارند و با یکدیگر متحد شوند:

«اگر حکومت‌کنندگان کشورهای اسلامی، نماینده مردم با ایمان و مجری احکام اسلام می‌بودند، اختلافات جزئی را کنار می‌گذاشتند و دست از خرابکاری و تفرقه‌اندازی برمی‌داشتند و متحد می‌شدند و یک واحد می‌بودند. در آن صورت مشتی یهودی بدبخت که عمال آمریکا و اجانبند نمی‌توانستند این کارها را بکنند...». (خمینی، روح‌الله، بی‌تا، ص ۲۴-۲۵).

«الان بر رؤسای اسلام، بر سلاطین اسلام، بر رؤسای جمهور اسلام تکلیف است که این اختلافات جزئی موسمی را که گاهی دارند، این اختلافات را کنار بگذارند، عرب و عجم ندارد، ترک و فارس ندارد... رؤسا تکلیفشان این است که بنشینند با هم تفاهم کنند...». (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۴-۱۵).

سران کشورهای اسلامی باید عوامل واگرایی را شناسایی کرده و ریشه‌های آن را بخشکانند. همچنین باید راه‌کارهایی جهت دستیابی به وحدت فراهم نمایند.

۲-۲-۳- عوامل غیرانسانی تقریب

الف) اصول مشترک اسلامی: از عوامل غیرانسانی مؤثر در تقریب، توجه به اصول مشترک اسلامی است که شیعه و سنی هر دو به آنها اعتقاد دارند، مثل اعتقاد به خدای واحد، مخلوق بودن همه موجودات، و خاتمیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم. امام خمینی علیه السلام نیز با تکیه بر همین مشترکات مذهبی، مانند اسلام، قرآن و حج، مسلمانان را به وحدت دعوت می‌کند؛ از جمله می‌فرماید: «وقتی مقصد همه یک چیز باشد و آن، اسلام است، آن وقت تمام اختلافات حل خواهد شد». (خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۹، ص ۲۹). همچنین ایشان تأکید می‌کند که این وحدت همان چیزی است که هم قرآن به آن سفارش کرده و هم ائمه اطهار علیهم السلام (پیشین، ج ۱۶، ص ۴) و خداوند در قرآن کریم که هم شیعه و هم سنی آن را قبول دارند، مسلمانان را هم در این عالم و هم در بهشت برادر خوانده است. (پیشین، ص ۱۱۲). وی در مورد اهمیت حج نیز می‌گوید:

«لازم است حجاج بیت‌الله الحرام در این مجمع عمومی و سیل خروشان اسلامی دست برادری را هر چه بیشتر بفشارند، مصالح عالیة اسلام و مسلمین مظلوم را فدای فرقه‌گرایی نکنند و برادران مسلم خود را هر چه بیشتر متوجه توحید کلمه و ترک عصبیت‌های جاهلی نمایند.» (پیشین، ج ۲۰، ص ۲۱).

ب) رسانه‌های ارتباط جمعی: دومین عامل مؤثر غیرانسانی در وحدت، رسانه‌های ارتباط جمعی است که مهم‌ترین آن تلویزیون می‌باشد. تلویزیون تأثیر زیادی بر مخاطبین خود دارد، از این رو می‌توان از این وسیله برای ایجاد وحدت و تقریب استفاده نمود. رادیو، روزنامه و مجلات از دیگر وسایل ارتباط جمعی است که می‌توان از آنها در ایجاد تقریب مدد جست.

ج) مؤسسات آموزشی: سومین عامل غیرانسانی، مؤسسات آموزشی است. ایجاد مدارس مختلط از پیروان مذاهب اسلامی، ایجاد یک دانشگاه جهانی اسلامی که کادر علمی و پژوهشی و آموزشی آن شامل همه کشورهای اسلامی بوده و در همه نقاط اسلامی، شعبه و در تمام فرقه‌ها و مذاهب مهم فقهی و فلسفی و اعتقادی کرسی تدریس داشته باشد از جمله اقداماتی است که می‌تواند در راه ایجاد تقریب بسیار مؤثر باشد.

د) همکاری‌های اقتصادی: همکاری‌های اقتصادی کشورهای اسلامی با یکدیگر، از آن‌جا که سلطه اقتصادی غرب بر جهان اسلام را کم می‌کند و به جای آن وابستگی به خود کشورهای اسلامی را سبب می‌شود از عوامل مهم ایجاد تقریب می‌باشد. امام خمینی علیه السلام یکی از اهداف دشمنان اسلام را برای ایجاد تفرقه بین مسلمین، دست‌یابی به ذخایر آنها ذکر کرده است:

«دست‌های ناپاکی که بین شیعه و سنی در این ممالک اختلاف می‌اندازند، اینها نه شیعه هستند و نه سنی، اینها دست‌های ایادی استعمار هستند که می‌خواهند ممالک اسلامی را از دست آنها بگیرند، ذخایر را از دست آنها بگیرند.» (پیشین، ج ۱، ص ۸۸).

همکاری‌های اقتصادی علاوه بر این که عاملی در جهت تحقق هم‌بستگی و وحدت اسلامی است، می‌توان از آن در ایجاد شرایط مناسب جهت دست‌یابی به اهداف توسعه اقتصادی و تجاری و ارتقای سطح رفاه جامعه اسلامی، استفاده نمود.

هـ) فرهنگ اسلامی: ایجاد یک فرهنگ اسلامی بین مسلمین نیز از عوامل ایجاد تقریب است، زیرا به گفته امام خمینی علیه السلام «آن چیزی که ملت‌ها را می‌سازد، فرهنگ صحیح است، اگر فرهنگ درست شود، یک مملکت اصلاح می‌شود» (خمینی، ۱۳۷۲، ص ۱۷۵). بنابراین از طریق ایجاد فرهنگ اسلامی به جای فرهنگ غربی و مصرف‌گرا می‌توان ایجاد وحدت را تسهیل کرد.

مجموعه این عوامل تقریب را ایجاد می‌نماید. اما تقریب باید در حوزه‌های گوناگون شکل بگیرد که بتواند امنیت جهان اسلام را که امری چند بعدی است، تأمین نماید.

حوزه‌های تقریب:

۱- حوزه اعتقادی؛

۲- حوزه باطنی و روحی؛

۳- حوزه اجتماعی؛

۴- حوزه سیاسی؛

۵- حوزه فرهنگی؛

۶- حوزه اقتصادی؛

۷- حوزه علمی؛

۸- حوزه نظامی.

مهم‌ترین حوزه که باید وحدت در آن ایجاد شود، حوزه اعتقادی است. وحدت در حوزه اعتقادی به معنای محترم شمردن آیین‌های عبادی یک‌دیگر و فراهم نمودن زمینه برای گفت‌وگو و نقد هم‌دیگر است. این غیر از مواردی است که شیعه و سنی در آن اشتراک دارند، مانند اعتقاد به قبله، خاتمیت حضرت محمد ﷺ و غیره. امام خمینی رحمته الله علیه نیز بر وحدت عقیده بین شیعه و سنی تأکید نموده و وحدت عمل را حاصل وحدت عقیده می‌داند: «اگر همه با هم متوجه به یک نقطه باشند، دعوت به وحدت کلمه است، وحدت عقیده، وحدت کلمه می‌آورد، وحدت عمل می‌آورد.» (خمینی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۲۵۳).

حوزه دوم، حوزه روحی و باطنی است؛ یعنی ایجاد الفت و داشتن حسن ظن به یک‌دیگر، دوست داشتن پیروان مذاهب دیگر، هم‌دردی با آنها و با جان و دل به این واقعیت باور داشتن که تمام مذاهب سرشت مشترکی دارند. (خسروشاهی، ۱۳۸۱، ص ۲۹-۷۰).

باید این حسن ظن بین شیعه و سنی ایجاد گردد. امام خمینی رحمته الله علیه تلاش می‌نمود که این الفت را بین مسلمین ایجاد نمایند و همواره مسلمانان را برادر یک‌دیگر خطاب می‌کرد: «ما با مسلمین اهل تسنن یکی هستیم، واحد هستیم، مسلمان و برادر هستیم...» (خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۷۷). در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی هم باید مسلمین با هم متحد شوند، به حمایت از مظلوم برخیزند و مواضع یک‌پارچه در محافل بین‌المللی در پیش بگیرند و به این نکته نیز توجه داشته باشند که سیاست از اسلام جدا نیست و همان طور که امام خمینی رحمته الله علیه بارها اشاره فرموده‌اند، این تلقین از توطئه‌های دشمنان اسلام است.

فرهنگ مشترک اسلامی باعث وحدت و فرهنگ غربی رسوخ کرده در جوامع اسلامی باعث تفرقه می‌گردد، زیرا برخی از ابعاد تهاجمی فرهنگ غرب باعث کج فهمی و دور افتادن از حقیقت اسلام و ترک احکام اسلام می‌شود. بنابراین مسلمین باید با وحدت در حوزه فرهنگی، با تهاجم فرهنگی غرب مبارزه نموده و فرهنگی یکسان تحت عنوان اسلام برای خود ایجاد نمایند.

امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌فرماید:

«بی‌شک بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است... اگر فرهنگ جامعه‌ای وابسته و مرتزق از فرهنگ مخالف باشد ناچار دیگر ابعاد آن جامعه به جانب مخالف گرایش پیدا می‌کند و بالاخره در آن مستهلک می‌شود...» (پیشین، ج ۱۵، ص ۱۶۰).

ضرورت ایجاد وحدت در حوزه علمی و حوزه نظامی نیز روشن می‌باشد، زیرا امروزه پیشرفت علم و تکنولوژی بسیار سریع می‌باشد و متأسفانه کشورهای اسلامی از این غافل‌ه عقب مانده‌اند و باید با وحدت

در حوزه علمی سعی نمایند خود را به این غافله برسانند و حتی از آن جلو بزنند. در حوزه نظامی نیز هر روز سلاح‌ها و بمب‌های جدید تولید می‌شود که مسلمین باید با وحدت در حوزه نظامی بر توانمندی‌های خود بیفزایند. امام خمینی علیه السلام تأکید داشت که مسلمین با وحدت، یک ارتش مشترک دفاعی بیش از صد میلیون تعلیم دیده ذخیره و یک ارتش ده‌ها میلیونی زیر پرچم داشته باشند. (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۸، ص ۹۲).

۳-۲-۳- چگونگی ایجاد امنیت

برای پاسخ‌گویی به چگونگی ایجاد امنیت، ابتدا باید اهداف تقریب مشخص شود. اهداف تقریب بر اساس نظر امام خمینی علیه السلام عبارت است از: الف - کسب عزت اسلامی و بازگشت به عظمت گذشته. در روابط خارجی دولت‌های اسلامی باید اصل عزت حاکم باشد. در قرآن کریم و در آیات ۱۳۸ سوره نساء و ۸ سوره منافقون که بر عزت مؤمنان و مسلمانان تأکید شده است. بنابراین دولت‌های اسلامی باید سعی کنند عزت خود را در روابط با کشورهای دیگر حفظ کنند و در سایه تقریب است که عظمت و یک‌پارچگی مسلمانان صیانت می‌شود و فکر تعرض به اسلام از سر دشمنان بیرون رانده می‌شود. امام خمینی علیه السلام نیز بر این امر تأکید می‌نماید: «اگر ملت‌های اسلام و دولت‌های اسلام متفرق نبودند، اگر مسلمین با هم بودند، این طور ذلیل نبودند، زیر دست اجانب و عمال اجانب...» (خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۱۷۴).

ب - کسب قدرت و پیروزی بر دشمنان اسلام: وحدت اسلامی، موجب توانمند شدن امت اسلامی در رویارویی با دشمنان و پیروزی در برابر آنان می‌شود. قرآن کریم بر این نکته تأکید کرده است که وحدت مایه استواری و نیرومندی است و اختلاف موجب شکست و سستی و از دست دادن قوت و قدرت است. امام خمینی علیه السلام به تاسی از قرآن کریم و اسلام، مسلمین را به وحدت فرا خوانده و رمز پیروزی آنان را وحدت کلمه و هماهنگی معرفی می‌نماید:

«ای مسلمانان جهان و ای پیروان مکتب توحید! رمز تمام گرفتاری‌های کشورهای اسلامی اختلاف کلمه و عدم هماهنگی است و رمز پیروزی، وحدت کلمه و ایجاد هماهنگی است...» (پیشین، ص ۲۲۶).

ج - کسب استقلال اسلامی: غرب همواره به سرزمین‌های مسلمین، چشم طمع داشته است، زیرا سرزمین‌های مسلمانان، سرشار از انواع ثروت‌ها است. درصد زیادی از منابع انرژی و زیرزمینی دنیا در خاورمیانه است. قسمت‌های مهمی از آفریقا با همه معادن و ذخایرش متعلق به مسلمین است. تنها چیزی که می‌تواند، مانع طمع دشمنان اسلام شود و استقلال را به این کشورهای اسلامی برگرداند، وحدت است. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

«ما وقتی می‌توانیم در مقابل همه دنیا بایستیم، بگوییم ما نه طرف مغضوب‌علیهم می‌رویم نه ضالین، نه طرف غرب می‌رویم نه طرف شرق می‌رویم، وقتی می‌توانیم این‌طور باشیم و به صراط مستقیم عمل کنیم که همه‌مان با هم باشیم...» (پیشین، ج ۱۹، ص ۱۹۴).

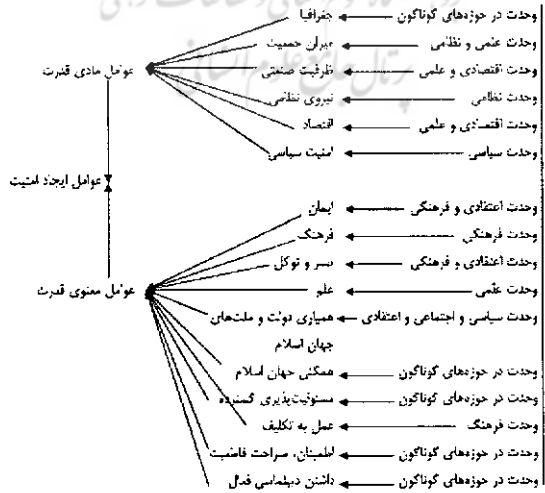
د - اجرای قاعده نفی سبیل: «قرآن کریم می‌گوید: هرگز خدای تبارک و تعالی سلطه‌ای برای غیرمسلم، بر مسلم قرار نداده است هرگز نباید یک همچو چیزی واقع شود، یک تسلطی، یک راهی، اصلاً راه نباید پیدا کند «لن يجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً» اصلاً راه نباید داشته باشد مشرکین و این قدرت‌های فاسد...» (پیشین، ج ۳، ص ۴). قاعده نفی سبیل، دارای دو جنبه ایجابی و سلبی است. جنبه سلبی، نفی سلطه بیگانگان بر مقررات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان را بیان می‌کند و جنبه ایجابی، بیان‌گر وظیفه دینی امت اسلامی برای حفظ استقلال سیاسی و از میان برداشتن زمینه‌های وابستگی است. (سجادی، ۱۳۸۳، ص ۵۸).

وحدت مسلمین می‌تواند زمینه را برای اجرای این اصل اساسی و مهم اسلام فراهم کند. حال سؤال این است که این وحدت چگونه می‌تواند به هدف نهایی خود که تأمین امنیت جهان اسلام است، برسد.

رابطه حوزه‌های تقریب و عوامل ایجاد امنیت

مراد از عوامل ایجاد امنیت، هر آن چیزی است که کشورها را در رسیدن به امنیت یاری می‌کند. کشورها در مورد عوامل امنیت، دیدگاه‌های متفاوتی دارند، از جمله دست‌یابی به سلاح‌های نظامی، اعتقاد پیمان‌های نظامی، کسب وجهه بین‌المللی و ... (روشندل، ۱۳۷۴، ص ۲۸-۲۹) اما می‌توان گفت مهم‌ترین عامل ایجاد امنیت، قدرت است و امروزه دیگر قدرت، به قدرت نظامی تعریف نمی‌گردد، هر چند قدرت نظامی، بی‌فایده نیست ولی کافی نمی‌باشد. امام خمینی علیه السلام نیز اقتدار را نه در تقویت بعد خاص مثل بالا بردن توان نظامی کشور بلکه در بهبود وضعیت کشور در شبکه پیچیده‌ای از روابط داخلی و خارجی می‌داند. (افتخاری، پیشین، ص ۴۵).

بنابراین عوامل ایجاد قدرت را می‌توان به عوامل مادی و معنوی قدرت، تقسیم کرد. تقریب در حوزه‌های گوناگون می‌تواند دست‌یابی به این عوامل قدرت را تسهیل نماید، که نمودار زیر آن را نشان می‌دهد:



یکی از عوامل مادی قدرت، جغرافیا است. بی شک موقعیت سرزمینی بر قدرت تأثیرگذار است. داشتن آب و هوای خوب و معتدل، دسترسی به دریاها و داشتن منابع طبیعی همه در ایجاد قدرت نقش دارد. اکثر کشورهای اسلامی، دارای آب و هوای خوب، امکان دسترسی به دریا و منابع سرشار می‌باشند. اگر این کشورها بین خود وحدت ایجاد نمایند می‌توانند در سایه آن این منابع را به قدرت تبدیل کنند. امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌گوید:

«اگر این دولت‌های اسلامی، این دولت‌هایی که همه چیز دارند... این دولت‌هایی که افراد زیاد دارند، این دولت‌هایی که ذخایر زیاد دارند، اینها با هم اتحاد پیدا کنند، در سایه اتحاد احتیاج به هیچ چیز و هیچ کشوری و هیچ قدرتی ندارند بلکه آنها به اینها محتاج هستند.» (خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۸، ص ۴۱).

میزان جمعیت نیز عامل مهمی در قدرت است، زیرا جمعیت منبع نیروی نظامی و نیروی کار می‌باشد. البته سطح دانش و کیفیت جمعیت نیز مهم می‌باشد. با وحدت علمی می‌توان سطح دانش جمعیت جهان اسلام را بالا برد و با وحدت نظامی نیز می‌توان شکلی منظم به این نیروهای پراکنده داد و به این ترتیب از این عامل جمعیت، جهت افزایش قدرت جهان اسلام سود جست.

ظرفیت صنعتی کشورها در زمانی که همه چیز صنعتی شده، نقش مهمی در قدرت ایفا می‌کند. مسلمین با وحدت در حوزه علمی و اقتصادی می‌توانند به تبادل اطلاعات و انتقال تکنولوژی بپردازند و با کمک هم‌دیگر از این عرصه صنعتی شدن عقب نمانند و بر قدرت خود بیفزایند.

اقتصاد نیز یکی از عوامل اصلی قدرت در عرصه روابط بین‌الملل می‌باشد. توانمندی اقتصادی بیشتر، قدرت بیشتر را به ارمان می‌آورد. از این روست که امام خمینی رحمته الله علیه بر خودکفایی تأکید زیادی داشته و می‌فرمود: «اگر ما گرسنه باشیم و پیاده راه برویم و منزوی باشیم و به طرف خودکفایی حرکت کنیم این بهتر است که وابسته و مرفه باشیم.» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۱).

کشورهای اسلامی می‌توانند از طریق تقویت مؤسسات اقتصادی فرامنطقه‌ای و سعی در حذف تأثیرات ابرقدرت‌ها بر آن، ایجاد بازار مشترک اسلامی، تلاش برای حذف مرزهای جغرافیایی در همکاری‌های اقتصادی بین کشورهای اسلامی و تلاش برای ایجاد پول واحد، بر توانمندی‌های اقتصادی خویش بیفزایند و در نتیجه قدرت خود را افزایش دهند.

داشتن سیاست مستقل و آزاد نیز امروزه از عوامل ایجاد قدرت است. هم از نظر داخلی و هم از نظر بین‌المللی با وحدت در حوزه سیاست و در پیش گرفتن مواضع یکسان و یک‌پارچه می‌توان از این عامل قدرت سود جست.

یکی از عوامل معنوی قدرت، ایمان است. امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرماید: «وقتی مطلب الهی شد دیگر خوف از قدرت‌ها نیست.» (خمینی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۳۷). مسلمین به خدا ایمان دارند ولی در سایه اتحاد و برادری و عمل به دستورات خداوند و ایجاد فرهنگ دینی بین خود می‌توانند از این پشتوانه ایمان هرچه بیشتر بهره‌مند گردند.

داشتن فرهنگ غنی نیز از عوامل ایجاد قدرت است و در فرض برابری دو کشور از نظر منابع مادی، کشوری قدرت مندتر است که از عوامل فرهنگی غنی برخوردار باشد. (روشندل، پیشین، ص ۸۰). مسلمین با وحدت در حوزه فرهنگی و دور کردن فرهنگ غرب و بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی می‌توانند از این عامل قدرت به خوبی بهره‌برداری نمایند. صبر و توکل بر خدا نیز از عوامل ایجاد قدرت می‌باشد. با وحدت در حوزه فرهنگ و بازگرداندن فرهنگ اصیل اسلامی می‌توان از این اصل مهم قدرت نیز استفاده نمود.

در جهان امروز، علم جایگاه بالایی در قدرت یک کشور دارد. اسلام نیز به فراگیری علم بسیار سفارش نموده است. امام خمینی علیه السلام در این باره می‌گوید: «اسلام در رأس ادیانی است که از علم و تخصص تمجید کرده و مردم را دعوت کرده که هر کجا علم را یافتند، از هر کافری یافتند آن را یاد بگیرند» (خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴، ص ۳۶۰). مسلمین با وحدت علمی می‌توانند زمینه تبادل اطلاعات را فراهم نمایند و در رشته‌های مختلف علمی، خودکفا گردند و از این عامل قدرت نیز به بهترین شکل استفاده نمایند.

هم‌یاری دولت و ملت‌های جهان اسلام با هم نیز از عوامل ایجاد قدرت می‌باشد. این هم‌یاری در اعتقاد واحد، اهداف سیاسی یکسان، مصلحت‌اندیشی و احقاق حقوق و وجود یک نهاد رهبری تحقق می‌یابد. وحدت در حوزه اعتقادی، سیاسی و اجتماعی می‌تواند این عامل را تقویت نماید.

همگنی جهان اسلام و مسئولیت‌پذیری گسترده از دیگر عوامل ایجاد قدرت ذکر گردیده که مسلمین با وحدت در حوزه‌های گوناگون می‌توانند ضریب این همگنی را بالا ببرند و روح مسئولیت‌پذیری را در خود تقویت نمایند و نسبت به سرنوشت هم‌کیشان خود احساس مسئولیت و وظیفه نمایند و در نتیجه بر قدرت خود بیفزایند.

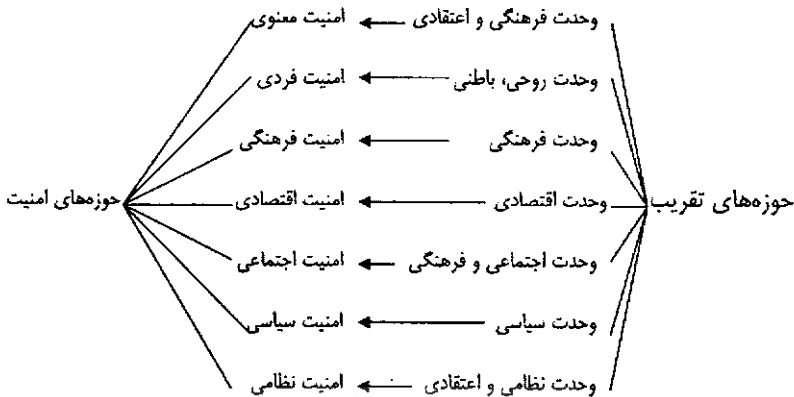
از دیگر عوامل ایجاد قدرت عمل به تکلیف و داشتن اطمینان، صراحت و قاطعیت می‌باشد. با وحدت در حوزه فرهنگی و بازگشت به فرهنگ اصیل اسلامی می‌توان به این اصل مهم که همواره باید در پی عمل به تکلیف بود، نه کسب نتیجه، دست یافت. هم‌چنین با وحدت در حوزه‌های گوناگون و کسب اعتماد به نفس می‌توان این اطمینان، صراحت و قاطعیت در گفتار را ایجاد کرد. امام خمینی علیه السلام همواره مواضع خود را صریح و قاطع بیان می‌نمود؛ برای نمونه در جایی می‌گوید: «ما با هیچ یک از قدرت‌ها سازش نداریم، نه تحت سلطه آمریکا می‌رویم و نه زیر بار شوروی...» (پیشین، ج ۱۵، ص ۲۰۹).

و سرانجام وجود یک دیپلماسی فعال در میان کشورهای اسلامی و نیز در رابطه آنها با دیگر کشورها، از عوامل قدرت ذکر گردیده است و مسلمین با وحدت می‌توانند از این عنصر کلیدی به خصوص در ارتباط با کشورهای غیراسلامی بهره بگیرند.

بنابراین، با توجه به آنچه ذکر شد، مشخص می‌گردد که تقریب در حوزه‌های گوناگون تقویت‌کننده عناصر قدرت می‌باشد و این قدرت، امنیت را برای جهان اسلام به ارمغان می‌آورد.

رابطه حوزه‌های تفریب و حوزه‌های امنیت

امنیت امری چند بعدی است، بنابراین باید تلاش نمود که در حوزه‌های گوناگون آن را ایجاد نمود. تفریب در حوزه‌های گوناگون در ایجاد بهتر امنیت در حوزه‌های امنیت کمک می‌کند.



امنیت معنوی، همان ایجاد امنیت در حوزه روح و روان است. این حوزه در اسلام به اعتقاد به توحید و ایمان قلبی، تفسیر شده است. وحدت در حوزه‌های فرهنگی و اعتقادی می‌تواند امنیت این حوزه را تأمین نماید، زیرا در این صورت، مسلمین فرهنگ اصیل اسلامی را دریافت می‌کنند و در سایه آن به آرامش دست می‌یابند.

ایجاد امنیت در حوزه فردی، منوط به حفظ جان، مال و آبروی فرد می‌باشد. وحدت در حوزه روحی، باطنی می‌تواند تأمین کننده این نوع امنیت باشد، زیرا با وحدت در این حوزه، یک نوع الفت و حسن ظن بین افراد ایجاد می‌گردد و حفظ جان و مال و آبروی افراد تسهیل می‌شود. ایجاد امنیت در حوزه فرهنگ، عبارت است از حفظ هویت اصیل اسلامی و توانایی مبارزه با فرهنگ غرب که عمدتاً فرهنگی تجملی و مصرف‌گرا و القاگر ناتوانی مسلمین در اداره کشور خویش می‌باشد. مسلمین با وحدت در حوزه فرهنگی است که می‌توانند با فرهنگ غرب مبارزه نمایند و به فرهنگ اسلامی خود افتخار کنند و خود را از احساس پوچی و بی‌معیاری رهایی بخشند.

چهارمین حوزه امنیت، حوزه اقتصاد است. امروزه متأسفانه بیشتر کشورها به خصوص کشورهای اسلامی اقتصادی وابسته به غرب دارند که پیامد آن فقر و عقب‌ماندگی و بیکاری برای آنها است. مسلمین با وحدت اقتصادی و ایجاد بازار مشترک اسلامی، می‌توانند نیازهای یک‌دیگر را خود تأمین کنند نه غرب که چشم طمع به ثروت جهان اسلام دارد.

امنیت اجتماعی به معنای داشتن آزادی در انجام فعالیت‌های مشروع و قانونی، برخورداری یکسان از امکانات جامعه و پایداری الگوهای سنتی زبان، فرهنگ و عرف‌های مذهبی است. (ریعی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۹). وحدت در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی بین مسلمین می‌تواند این نوع امنیت را برای جوامع اسلامی، تأمین نماید، زیرا با وحدت اجتماعی بین گروه‌های مختلف در جامعه (شیعه و سنی)، همه از

حقوق یکسان در برابر قانون برخوردار می‌شوند و می‌توانند آزادانه در فعالیت‌های قانونی و مشروع شرکت نمایند. امام خمینی علیه السلام معتقد بود تمام اقلیت‌های مذهبی اعم از یهودیان، مسیحیان و زرتشتی‌ها از آزادی مذهبی در عقاید و آرای خود و انجام مناسک و فرایض مذهبی برخوردارند چه رسد به شیعه و سنی؛ «همه اقلیت‌های مذهبی در اسلام محترم هستند، همه‌گونه آزادی برای انجام فرائض مذهبی خود دارند...» (صحیفه امام، ج ۵، ص ۴۲۴).

«اسلام بزرگ تمام تبعیض‌ها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی ویژگی خاصی قرار نداده و تقوا و تعهد به اسلام تنها کرامت انسان‌ها است.» (خمینی، ۱۳۷۱، ج ۱۰، ص ۱۹۷).

با وحدت در حوزه فرهنگی می‌توان الگوهای سنتی زبان، فرهنگ و عرف‌های مذهبی را در برابر تهاجم بیگانگان حفظ نمود.

ایجاد امنیت در حوزه سیاسی نیز لازم می‌باشد. در این حوزه، هم افراد باید در فعالیت‌های مختلف سیاسی، شرکت نمایند و هم خود کشورهای اسلامی باید سیاست مستقلی از غرب در پیش بگیرند و بدون ترس از آنها تصمیم‌های خود را صریح و قاطع اعلام نمایند. برای فراهم کردن زمینه حضور مردم در فعالیت‌های سیاسی، باید در کشورهای اسلامی، حکومت دینی تشکیل شود. حکومت دینی، حکومت و نظامی برخاسته از مکتب حیات بخش اسلام و متکی بر جهان‌بینی و ایدئولوژی الهی و توحیدی بوده و اصول و مبانی و باید و نبایدهای دینی در تار و پود آن تجلی و تجسم دارد و در حقیقت، نظام تقنین و تحکیم متکی بر جهان‌بینی و ایدئولوژی الهی است (سعیدی شامردی، ۱۳۸۸، ص ۲۲). در این نظام مسلمانان بر اساس اصل امر به معروف و نهی از منکر، ناظر و مراقب همه اموری هستند که در اطراف آنها و جامعه‌شان اتفاق می‌افتد.

امنیت نظامی نیز به معنای کاهش تهدیدات علیه خود و افزایش توان‌مندی‌ها است. (ریعی، پیشین، ص ۱۴۶). با وحدت نظامی، کشورهای اسلامی می‌توانند، همان‌گونه که امام خمینی علیه السلام فرمود، یک ارتش میلیونی ایجاد نمایند و بر توانمندی‌های خود بیفزایند، مانورهای مشترک انجام دهند و قدرت خود را به غرب نشان دهند. هم‌چنین با وحدت در حوزه اعتقادی می‌توان از جنگ‌های داخلی بین شیعه و سنی جلوگیری کرد.

پس، تقریب در حوزه‌های گوناگون، می‌تواند ایجاد امنیت را که امری چندبعدی است، تسهیل نماید.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با بررسی عوامل و حوزه‌های تقریب و چگونگی ایجاد امنیت، مشخص گردید که اولاً تقریب در حوزه‌های اقتصادی، علمی، نظامی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی زمینه‌ساز ایجاد امنیت است، زیرا همان‌گونه که ذکر گردید، مهم‌ترین عامل ایجاد امنیت، قدرت است و قدرت نیز طبق نظر امام خمینی علیه السلام تنها با تقویت بعد خاصی مثل بالا بردن توان نظامی، به دست نمی‌آید، بلکه در بهبود وضعیت جهان اسلام در شبکه‌ای از روابط داخلی و خارجی به دست می‌آید. بنابراین تقریب در حوزه‌های گوناگون تسهیل‌کننده استفاده از عوامل ایجاد قدرت، که همان عوامل ایجاد امنیت است، می‌باشد. برای مثال، ذکر گردید که یکی از عوامل اصلی قدرت در جهان اسلام، توان‌مندی اقتصادی است. وحدت جهان اسلام در

حوزه اقتصادی و تقویت مؤسسات اقتصادی فرمانطقه‌ای، ایجاد بازار مشترک اسلامی و غیره به تقویت این عامل قدرت و در نتیجه امنیت جهان اسلام منجر می‌شود.

هم‌چنین تقریب در حوزه‌های گوناگون تأمین‌کننده امنیت در حوزه‌های معنوی، فردی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت اندیشه تقریب از طریق تقویت هم‌گرایی در جهان اسلام به افزایش قدرت مسلمانان منجر گردیده و به ارتقای امنیت آنان کمک می‌کند.

پیشنهادات

در پایان، چند توصیه ذکر می‌گردد تا مسئولین نظام و مردم و کشورهای اسلامی با رعایت آنها بتوانند گامی در جهت تقریب بردارند و به این ترتیب امنیت خود و سایر مسلمین را تأمین نمایند:

۱- فقها و علمای اسلام، نسبت به مسائل زمانه آگاهی کسب نمایند و درباره وضعیت جهان اسلام بی‌تفاوت نباشند و با صدور فتاوایی مناسب در راه تقریب گام بردارند؛

۲- نخبگان مسلمان، چه شیعه و چه سنی، از تعصب، به‌ویژه تعصب علمی، خودداری نمایند و سعی کنند با بهره‌گیری از دانش هم‌دیگر به رشد علمی خود کمک نمایند و به این صورت وابستگی خود را به غرب کاهش دهند. هم‌چنین با تألیف کتاب و ارائه مقالات و سخنرانی‌ها به مردم آگاهی می‌دهند که پیروان سایر مذاهب هم مثل آنها مسلمان می‌باشند و به این ترتیب تفرقه را از خود دور سازند؛

۳- استادان و دانشجویان با بحث‌های علمی و برگزاری جلسات گوناگون با حضور پیروان دو مذهب، به شناسایی مسائل اختلافی پرداخته و با دلیل و برهان نسبت به هم داور می‌کنند نه این‌که بدون آگاهی و علم و صرفاً از روی تعصب درباره یک‌دیگر سخن بگویند؛

۴- مسئولان و سران کشورهای اسلامی با شناسایی ریشه‌های تفرقه، برای از بین بردن آن تلاش نموده و زمینه‌های دست‌یابی به تقریب را فراهم کنند؛

۵- رادیو و تلویزیون به تهیه و پخش برنامه‌هایی اقدام نماید که اولاً دشمنی‌ها را از میان مسلمانان از بین ببرد و ثانیاً زمینه تقریب و دوستی بین شیعه و سنی را فراهم کند. رادیو و تلویزیون که نقش مهمی در فرهنگ‌سازی دارد، باید ضمن معرفی فرهنگ اسلامی و دینی به مردم با تهاجم فرهنگی غرب مبارزه نموده و مردم را از پیامدهای روی آوردن به فرهنگ غرب و دوری از فرهنگ اسلامی آگاه سازد؛

۶- مجلات، روزنامه‌ها و سایر وسایل ارتباط جمعی با استفاده از مقالات علمی و استدلالی، به رفع شبهات و موارد اختلافی بپردازند؛

۷- مسئولان کشورهای اسلامی و حتی بخش خصوصی باید برای ایجاد اقتصادی خودکفا از غرب تلاش کنند و اقتصادی مکمل هم‌دیگر در جهان اسلام ایجاد نمایند و در سایه آن برای از بین بردن فقر، شکاف طبقاتی، بیکاری و غیره که باعث ضعف جهان اسلام می‌گردد تلاش کنند. از جمله اقدامات اقتصادی برای خودکفایی، تقویت مؤسسات اقتصادی فرمانطقه‌ای و ایجاد بازار مشترک اسلامی است؛

۸- کشورهای اسلامی سعی کنند در محافل بین‌المللی مواضع یکسان در پیش بگیرند و مصلحت جهان اسلام را فدای مصلحت خاص خود و یا بدتر از آن مصلحت غرب، نکنند. به ملت‌ها حق مشارکت بدهند و آزادی‌های سیاسی مشروع در کشورهای اسلامی ایجاد گردد؛

۹- مسلمانان نسبت به برادران دینی خود حس هم‌دردی داشته باشند و درد آنها را درد خود بدانند و همواره در صدد یاری رساندن به هم‌دیگر باشند و با توکل به خدا روحیه صبر و شکیبایی را در خود تقویت کنند؛

۱۰- کشورهای اسلامی تلاش کنند برای تحقق نهضت علمی و فن‌آوری با همکاری دانشگاه‌های جهان اسلام، دانشگاه جهانی اسلام تأسیس نمایند؛

۱۱- کشورهای اسلامی مؤسسات بزرگ تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی جهانی تأسیس نمایند.

منابع و مآخذ:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آصف محسنی، محمد، *تقریب مذاهب از نظر تا عمل*، نشر ادیان، قم، ۱۳۸۶.
- ۳- آصفی، محمدمهدی، *طرح وحدت اسلامی*، مجله اندیشه تقریب، ش ۱۲، ۱۳۸۶.
- ۴- اخوان کاظمی، بهرام، *امنیت در نظام سیاسی اسلام*، کانون اندیشه جوان، تهران، ۱۳۸۵.
- ۵- افتخاری، اصغر، *اقتدار ملی، جامعه شناسی قدرت از دیدگاه امام خمینی*، سازمان عقیدتی، سیاسی نیروی انتظامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۶- خسروشاهی، سید هادی، *میزگرد تقریب بین مذاهب اسلامی*، کلبه شروق، مرکز بررسی‌های اسلامی، قم، ۱۳۸۱.
- ۷- خمینی، روح‌الله، *استفتانات*، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ج ۱، ۱۳۶۶.
- ۸- _____، *جهان اسلام از دیدگاه امام*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۷۸.
- ۹- _____، *حکومت اسلامی*، آزادی، قم، بی‌تا.
- ۱۰- _____، *صحیفه امام*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، چاپ دوم، ج ۱۴، ۱۷، ۱۸، ۲۰، ۱۳۷۹.
- ۱۱- _____، *صحیفه نور*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ج ۵، ۱۹، ۴، ۱۳۷۱.
- ۱۲- _____، *کلمات قصار، پندها و حکمت‌ها*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۳- دوثرتی، جیمز، و فالترزگراف، رابرت، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، قومس، تهران، چاپ اول، ج ۲، ۱۳۷۲.
- ۱۴- دولور، ژاک، *همسوزی تازه اروپا*، ترجمه عباس آگاهی، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۵- ربیعی، علی، *مطالعات امنیت ملی*، وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۳.
- ۱۶- روشندل، جلیل، *امنیت ملی و نظام بین‌الملل*، سمت، تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۷- کاظمی، علی‌اصغر، *روابط بین‌الملل در تئوری و در عمل*، قومس، تهران، ۱۳۷۲.





پښتونستان پوهنتون
پښتانه علوم او مطالعات فرعي

پښتانه علوم او مطالعات

پښتانه علوم او مطالعات

یادآوری

یکی از راه‌های قدرتمندی اسلام، وحدت و همدلی مسلمانان است و معرفی عالمانی که در اصلاح امت اسلامی کوشش‌هایی کرده، و تلاش خود را در این راه وجهه همت خود قرار داده‌اند، نقش بسزایی در تحقق این آرمان دارد. در عصر حاضر سکوت در برابر هجوم‌های فرهنگی و اعتقادی دشمنان، اسلام را از هر زمان دیگر آسیب‌پذیرتر می‌سازد؛ چنان که در گذشته نیز در اثر بی‌کفایتی زمامداران حکومت‌های اسلامی و دامن زدن آنان به اختلافات فرقه‌ای، بسیاری از آثار ارزشمند اسلامی را از دست داده‌ایم و سال‌های دزازی سرمایه‌های فکری و هنری خویش را صرف اختلافات بی‌اساس کرده‌ایم.

برای اسلام با همه غنا و دارایی بی‌نظیرش، هیچ‌گاه این موقعیت پیش نیامده که آرزوهای خود را آن‌طور که شایسته است میان مسلمان محقق سازد. اکنون وقت آن است که نگاهی واقع‌بینانه‌تر و پیرایه‌تر به اسلام بیفکنیم و با بازگشتی دوباره به اخلاص و ایمان صدر اسلام، مشترکات مذاهب گوناگون اسلامی را در دستور کار خود قرار دهیم تا شاید اسلامی یکپارچه، قدرتمند و قوی را به ارمغان آوریم.

رسیدن به این هدف، عوامل گوناگونی را می‌طلبد که معرفی عالمان و فرهیختگان کشورهای اسلامی یکی از این عوامل است. در ادامه به معرفی یکی از عالمان مسلمان می‌پردازیم که نقش مهمی در تقرب مذاهب اسلامی، دعوت مردم به وحدت و همدلی و بیداری اسلامی ایفا کرده است.